

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیّه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

معراج پیامبر اکرم ﷺ

کلیدواژه‌ها: معراج، پیامبر اکرم ﷺ، قرآن، هفدهم ماه رمضان، مسجدالحرام، مسجدالاقصی، هفت آسمان، سدره‌المنتهی، قاب قوسین، ملائکه، امیرالمؤمنین علیه السلام، دست حق، پاک کردن کعبه از بت‌ها، نماز.

در مورد زمان معراج پیغمبر اکرم ﷺ نظر قاطع واحدی وجود ندارد؛ نظرهای مختلفی داده شده؛ اما یقیناً معراج از سال دهم بعثت به بعد بوده است. بنابه یکی از نقل‌های رایج، در شب هفدهم ماه مبارک رمضان و تقریباً شش ماه قبل از هجرت پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه بوده است. قرآن کریم مکرراً به ماجرای معراج اشاره کرده و در دو آیه از دو سوره‌ی قرآن به صراحت آمده است؛ یکی سوره‌ی اسراء است: **سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى**.^۱ در این آیه سخن از سفر شبانه‌ی پیامبر ﷺ از مسجدالحرام به مسجدالاقصی است که بخش نخستین آن سفر بود. بنابه آنچه نقل شده، پیغمبر اکرم ﷺ در خانه‌ی امّ هانی بودند - امّ هانی دختر عموی رسول الله ﷺ و خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام است - که جبرئیل آمد و بشارت این سفر را به پیامبر ﷺ داد؛ مرکبی از نور به نام بُراق آمد و پیامبر ﷺ بر آن مرکب سوار شدند. مرحله‌ی اوّل سفر، سفر زمینی بود. پیامبر ﷺ با آن مرکب در زمان بسیار کوتاهی فاصله‌ی بین مکه تا قدس، یعنی مسجدالاقصی را

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱.

طی کردند. بنابه آنچه روایت شده، مسیر را هم کاملاً می‌دیدند. به آنجا هم که رسیدند، در جایگاه‌های متعددی نماز خواندند؛ تمام آن منطقه را بازدید کردند و محل تولد پیامبران و محل اقامت انبیاء را در بیت‌المقدس مشاهده کردند. این مرحله‌ی اول سفر بود.

سوره‌ی نجم به مرحله‌ی دوم این سفر اشاره کرده است: **وَ لَقَدْ رَأَاهُ نَزَّلَةً أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ.**^۲ مرحله‌ی دوم، سفری بود از مسجدالاقصی به سدره‌المنتهی، یعنی سفری آسمانی. سفر اول، سفر زمینی بود و سفر دوم، آسمانی. آسمان اول، آسمان دنیاست؛ **إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِرَبِيَّةٍ الْكَوَكِبِ.**^۳ تا آنجایی که کواکب و ستارگان وجود دارند که خدا می‌داند چقدر وجود دارند، [آسمان اول است]. اگر میلیاردها سال نوری بروید؛ سال نوری یعنی سالی که در هر ثانیه‌اش سیصد هزار کیلومتر طی کنید؛ حالا میلیاردها سال نوری را که طی کنید، علم کشف کرده که هنوز ستارگان وجود دارند و تازه این سماء دنیا و آسمان اول است! پیامبر ﷺ هفت آسمان را پشت سر گذاشتند و به **عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ؛** **عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ**^۴ رسیدند! به آنجایی که بین ایشان و حقیقت حقّ بیش از **قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ**،^۵ فاصله نبود! خدا می‌داند اینها یعنی چه! فرصت نیست وارد بحث آن شویم. ان شاء الله عزیزان به تفاسیر و روایات در بحث معراج مراجعه کنند؛ بسیار حقایق بلند و عمیقی در آن است.

و پیامبر ﷺ در این سفر آسمانی چه‌ها دیدند! چه عوالمی را دیدند! بنابه آنچه نقل شده، پیامبر ﷺ ملائکه‌الله را در صنوف مختلفشان ملاقات کردند. نماز جماعتی به امامت رسول الله ﷺ برگزار شد و همه‌ی ملائکه به پیامبر ﷺ اقتدا کردند و رسید به آنجایی که رسید و حقایق را دید.

۲. سوره‌ی نجم، آیات ۱۴-۱۳.

۳. سوره‌ی صافات، آیه ۶.

۴. سوره‌ی نجم، آیات ۱۵-۱۴.

۵. سوره‌ی نجم، آیه ۹.

حالا اینکه حضرت با خدای متعال چه دیدند و چه شنیدند را مراجعه کنید و احادیث معراجیه را ببینید؛ مفصل است؛ خیلی زیباست! حرف‌های خصوصی خلوت پیامبر ﷺ و خدای متعال خیلی زیباست. و باز بنابه آنچه روایات نقل کرده‌اند، پیامبر ﷺ می‌گفت؛ اما از جانب خدای متعال پاسخ با صدای امیرالمؤمنین علیه السلام به پیامبر ﷺ می‌رسید! باز دیدید؛ رسول الله ﷺ آسمان‌ها را که طی می‌کردند، به جایی رسیدند که دیدند امیرالمؤمنین علیه السلام آنجا هستند. رسول الله ﷺ سؤال فرمودند؛ پاسخ دادند (قریب به این مضمون): او ملکی است که خدای متعال به صورت امیرالمؤمنین علیه السلام درآورده. از آنجا که ملائکه مشتاق دیدار و ملاقات امیرالمؤمنین علیه السلام هستند، خدا برای پاسخ به اشتیاق آنها ملکی به صورت امیرالمؤمنین علیه السلام خلق کرده و ملائکه به دیدار او می‌آیند؛ او را تماشا می‌کنند و لذت می‌برند. وقتی پیامبر ﷺ به نقطه‌ی اوج سفر رسیدند، آن‌طور که نقل شده، دستی روی شانه‌شان احساس کردند؛ لذت عجیبی داشت! بعدها، لذت این دست برای پیامبر ﷺ تکرار شد. روزی که پیامبر ﷺ در سال هشتم هجری مکه را فتح کردند و برای پاک کردن کعبه از بت‌ها، به‌خاطر اینکه دست نمی‌رسید، به امیرالمؤمنین علیه السلام امر کردند که من دست‌هایم را می‌گیرم، شما بالا بروید؛ امیرالمؤمنین علیه السلام امر رسول الله ﷺ را اطاعت کردند و رفتند. اما باز دست امیرالمؤمنین علیه السلام به بعضی از بت‌ها نمی‌رسید. پیامبر ﷺ امر فرمودند: یا علی! پایت را روی شانه‌ی من بگذار و بالا برو! و امیرالمؤمنین علیه السلام اطاعت کردند. آن روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام پایشان را روی شانه‌ی رسول الله ﷺ گذاشتند و بالا رفتند و خانه‌ی کعبه را از بت‌ها خالی کردند، پای امیرالمؤمنین علیه السلام که روی شانه‌ی پیامبر ﷺ قرار گرفت، پیامبر ﷺ را به یاد دست حق که در معراج روی شانه‌ی حضرت قرار گرفته بود انداخت.

در این سفر چه گفتگوهای عاشقانه‌ای شد بین رسول الله ﷺ و خداوند؟! در آسمان، اسم پیامبر ﷺ احمد است؛^۶ خدای متعال خطاب می‌کرد یا احمد! و با او سخن می‌گفت. اقیانوسی از لطایف بلند عرفانی در احادیث مفصل معراجیه است و امیدوارم مراجعه کنید. کتاب‌های خوبی در این زمینه وجود دارد. خدا آقاشیخ علی پهلوانی رضوان الله تعالی علیه را رحمت کند؛ از شاگردان ارزشمند مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه در سیر و سلوک عرفانی بودند که کتاب‌های ایشان به‌نام مرحوم علی سعادت‌پرور منتشر شده است. کتابی به‌نام *سیر/الاسراء* دارند که شرح حدیث اسراء است و به فارسی هم ترجمه و منتشر شده است؛ کتاب قشنگی است. کتاب‌های دیگری هم در ماجرای معراج نوشته شده است.

علی‌ای‌حال پیامبر ﷺ از معراج برای این امت سوغات بزرگی آوردند. سوغات رسول الله ﷺ نماز بود. نماز، سوغات سفر معراج رسول الله ﷺ بود. به بیانی ویتامین سفر معراج را گرفتند و یک کپسول کوچک درست کردند؛ شد صلاة! *الصلاة معراج المؤمن*^۷ و لذا تمام عوالمی که رسول الله ﷺ در سفر معراج طی کردند تا اوج قلّه‌ی *قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى*، تا مقام *أَوْ أَدْنَى* که نزدیک‌تر از قاب قوسین است، و خدا می‌داند چیست! فقط خدا می‌داند و آن کس که رفته. گفت:

خرد مومین قدم وین راه، تفته
خدا می‌داند و آن کس که رفته

خدا می‌داند که *أَوْ أَدْنَى* کجاست؟! تمام این سفر را در رفت و برگشت، در نماز خلاصه کردند و صلاة شد معراج المؤمن. مؤمن با دو رکعت نماز می‌تواند سفر معراج را طی کند!

۶. *جاء نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَسَأَلَهُ ... لَأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَتْ مُحَمَّدًا وَ أَحْمَدَ ...* فَقَالَ النَّبِيُّ: *أَمَّا مُحَمَّدٌ فَإِنِّي مَحْمُودٌ فِي الْأَرْضِ وَ أَمَّا أَحْمَدُ فَإِنِّي مَحْمُودٌ فِي السَّمَاءِ*: صدوق، علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۲۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۴ و ۹۶ و عروسی‌حویزی، نورالقلین، ج ۵، ص ۲۷.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۴۷.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَلِّ فَرَجَهُم